

جوزف کنراد

توفان

برگردان:
پرویز شهبادی



کنراد، جوزف، ۱۸۵۷-۱۹۲۴م. Conrad, Joseph

توفان/ جوزف کنراد؛ برگردان: پرویز شهدی.

تهران: مجید، ۱۳۹۳.

۱۴۴ ص.

978-964-453-041-8

فیا: وضعیت فهرست‌نویسی

عنوان اصلی: Typhoon

کتاب حاضر از متن فرانسه تحت عنوان «Typhon» که توسط آندره ژید

ترجمه شده بود به فارسی برگردانده شده است.

دانشان‌های انگلیسی- قرن ۲۰م.

شهدی، پرویز، ۱۳۱۵- مترجم.

ژید، آندره پل گیوم، ۱۸۶۹-۱۹۵۱م. Gide, Andre Paul Guillaume

۱۳۹۱ ت ۹/۳ کی ۸۵۲۵ PZ

۸۲۳/۹۱۲

۳۰۴۳۰۳۶

شماره کتابشناسی ملی



نشر به سخن



انتشارات مجید

تهران، انقلاب، خ ۱۲ فروردین، مخ لسانی نژاد، شماره ی ۲۴۰

تلفن: ۶۶۴۹۱۵۸۸-۶۶۴۹۵۷۱۳

توفان

جوزف کنراد

برگردان: پرویز شهدی

چاپ اول، تهران، ۱۳۹۳ هـ ش

۱۰۰۰ نسخه

چاپ: کتاب شمس

همه ی حقوق محفوظ است.

ناشر همکار: نشر به سخن

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۵۳-۰۴۱-۸

www.majidpub.com

۱۲۵۰۰ تومان

پیشگفتار

درباره‌ی جوزف کنراد و آثارش در کتاب‌هایی که تاکنون به فارسی ترجمه شده‌اند مفصل صحبت شده است. با این همه بد نیست خواننده بداند که این نویسنده‌ی بلندآوازه‌ی لهستانی تبار که داستان‌هایش را به زبان انگلیسی می‌نوشت و در انگلستان هم زندگی می‌کرد، چه سرنوشتی داشته و چه رنج‌هایی کشیده. در سوم دسامبر ۱۸۵۷ در خانواده‌ای به دنیا آمد که همه‌ی اعضایش در نهضت زیرزمینی مبارزه برای رهایی از سلطه‌ی روسیه فعالیت می‌کردند و بیش‌ترشان هم در این راه جان باختند. پدرش طی این فعالیت‌ها دستگیر و همراه با همسر و پسرش به روسیه تبعید شد. مادرش به بیماری سل درگذشت و پدرش در سال ۱۸۶۸، یک سال پس از رهایی از تبعید در لهستان مرد و کنراد که یازده‌ساله بود تحت کفالت مادر بزرگش درآمد. از همان دوران نوجوانی عشق و علاقه‌ی فراوانی به دریا داشت و با تمام وجود می‌خواست دریانورد شود،

سرانجام در سال ۱۸۷۴، به‌رغم مخالفت همه‌ی بستگانش به ماریسی رفت تا در آن‌جا فنون دریانوردی را بیاموزد. زبان فرانسه را به‌خوبی می‌دانست. ابتدا در کشتی‌های کوچک بادیانی در دریای مدیترانه خدمت کرد و سپس در سال ۱۸۷۵ طی اولین سفر طولانی‌اش به مارتینیک رفت. هفده سال تمام دریاها و اقیانوس‌ها را زیر پا گذاشت و از ملوانی ساده تا مسئولیت دادن یک کشتی به‌عنوان ناخدا بالا رفت. طی این سفرها زبان انگلیسی را به‌خوبی آموخت. در سفری که در سال ۱۸۹۰ به کنگو کرد، با بدنی بیمار و روانی نژند برگشت. این بیماری جسمی و روحی تا آخر عمر یعنی سال ۱۹۲۴ دست از سرش برنداشت. در برگشت از این سفر بود که دریا را برای همیشه ترک کرد و در خشکی مقیم شد. علاوه بر این پیشه‌ی دریانوردی را هم کنار گذاشت و به نویسندگی رو آورد، آن‌هم به زبانی سوای زبان مادری‌اش، اما تسلطش بر زبان و ذهن بارورش از او نویسنده‌ای طراز اول ساخت. در نیمه‌ی دوم عمرش حدود نوزده رمان و تعدادی داستان کوتاه و مقاله نوشت. درون‌مایه‌ی داستان‌های کنراد، مانند سنت اگزوپری^۱ حاصل تجربه‌های شخصی‌اش است. ادب‌شناسان فرانسوی و حتا امریکایی در مورد این دو نویسنده می‌گویند: اگزوپری بی‌آن‌که اولین هوانورد باشد، آسمان‌ها را به ما هدیه داد و کنراد بی‌آن‌که اولین دریانورد بوده باشد دریاها را به ما ارزانی کرد. شخصیت‌های اصلی اگزوپری آسمان و انسان است و شخصیت‌های اصلی کنراد انسان و دریا. کنراد در سفرهای بی‌شماری که در اقیانوس اطلس، اقیانوس آرام، قاره‌ی آمریکا و مشرق‌زمین کرد، با ماجراها و رویدادهای شگفت‌آوری روبه‌رو شد. تفاوتی که این دو نویسنده با هم دارند در این است که کنراد اول عمل کرد و بعد اندیشید و اگزوپری اول اندیشید و بعد عمل کرد.

۱. از آثارش می‌توان شازده کوچولو را نام برد که به اکثر زبان‌های دنیا ترجمه شده است.

کنراد نویسندگی را در میان‌سالی و با توشه‌های فراوان از تجربه‌هایی که در سفرها و دنیادیدگی‌اش فراهم آورده بود، آغاز کرد. علاوه بر این داستان‌هایش نشان از تفکری ژرف دارد که با تحمل درد و رنج‌های فراوان به مرحله‌ی بختگی رسیده است. شخصیت‌هایش نقاط ضعف زیادی دارند، مغرورند و کله‌شق، ساده‌دل و زودباور و درعین حال احساساتی. سرسپردگی و دل‌بستگی‌شان عمیق و پایدار است، حالا نسبت به یک کشتی باشد، یا یک رفیق، یک انگیزه و یا یک احساس. این سرسپردگی آن‌ها را تا یک قدمی مرگ و حتا گاهی به کام مرگ می‌کشاند، اگرچه ممکن است احمقانه جلوه کند اما هدف اصلی‌شان در همین سرسپردگی نهفته است. هرچند امکان دارد در راه رسیدن به این هدف فدا شوند، ولی شکست را نمی‌پذیرند و پایداری در این فداکاری را پیروزی به‌شمار می‌آورند.

«توفان» حاصل یکی از همین تجربه‌ها و ناخدا مک‌ویر یکی از همین شخصیت‌هاست. جالب این‌جاست که کنراد ناخدا و دستیارش را با دو شخصیت متضاد انتخاب کرده. یکی آرام و خون‌سرد و متکی به خود، دیگری پریشان و نگران و کم‌تجربه. با این همه، حاصل رویارویی این دو شخصیت، مرحله‌ی کمالی است که سرانجام کشتی و سرنشینانش را از مرگی حتمی نجات می‌دهد. قلم کنراد و توصیف مراحل گوناگون توفانی سهمگین چنان نافذ است که نفس خواننده را بند می‌آورد، اما سرانجام ثابت می‌کند که وفادار ماندن نسبت به یک هدف حاصلش موفقیّت است. آندره ژید نویسنده‌ی بزرگ فرانسوی ارزش زیادی برای آثار این نویسنده‌ی از وطن‌رانده و رنج‌کشیده قائل بود؛ چون او را مرد اندیشه و عمل می‌یافت که داستان‌هایش برگرفته از تجربه‌های شخصی خودش بود نه حاصل تجربه‌های دیگران. بنابراین صداقت و صمیمیتی که در توصیف

صحنه‌ها و شخصیت‌ها به خرج می‌دهد، آینه‌ی تمام‌نمایی است که هیچ‌گونه خیال‌پردازی و تصنع در آن دیده نمی‌شود. درون‌مایه‌ی کتاب حاضر، حاصل رویداد یکی از سفرهای کنراد در دریای چین است و در توصیف صحنه‌های گوناگونی که در این توفان با آن‌ها روبه‌رو شده، چنان استادی و مهارتی به خرج داده که آندره ژید را بر آن داشته آن را به فرانسه برگرداند.

ترجمه‌ی حاضر نیز برگرفته از همان ترجمه‌ی آندره ژید است و حاصل آمیختن دو نبوغ گران سنگ در نویسندگی.

پ. ش